

نقد
اقتصاد سیاسی

دوراهی کردی

ادوارد هانت



ترجمه‌ی سبا معمار

نقد اقتصاد سیاسی

اردی بهشت ۱۳۹۷

مقدمه‌ی مترجم

این مقاله - یا بهتر است بگوییم، گزارش - که در ۱۲ آوریل (بیست و سوم فروردین) در سایت ژاکوبین منتشر شد به مسأله‌ی انقلاب روزاوا از منظر ارتباط آن با سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه - به‌ویژه با توجه به درهم‌تنیدگی حضور روسیه، ایران، ترکیه و آمریکا در منطقه - می‌پردازد. به‌رغم آن‌که نویسنده‌ی این متن هم‌دلی خود را با انقلاب روزاوا ابراز می‌کند و آن را «نویدبخش‌ترین تجربه‌ی دموکراسی در خاورمیانه» می‌خواند، به نظر می‌رسد که عاملیت و قدرت چندانی برای نیروهای انقلابی تحت فرماندهی کردها در شمال سوریه قائل نیست و سرنوشت انقلاب ایشان را یک‌سره در دست سیاست‌های آمریکا در منطقه می‌داند. با این همه با توجه به اهمیت موضوع، و با التزام به راهبرد همدلی نقادانه با انقلاب روزاوا فکر می‌کنم ترجمه‌ی این متن - در کنار سایر متون مرتبط با موضوع - می‌تواند برای خواننده‌ی فارسی‌زبانی که که تحولات منطقه را رصد می‌کند مفید واقع شود. همواره لازم به یادآوری است که مسئله از منظرهای گوناگون روایت و تبیین می‌شود، تنها با هرچه بیشتر نظر کردن به روایت‌های موجود است که می‌توان مسئله را در غنا و با پیچیدگی‌هایش به چنگ آورد، همچنین باید متذکر شد که ترجمه‌ی متن‌ها متضمن هم‌نظری تام و تمام مترجم با آن‌ها نیست.

آیا نویدبخش‌ترین تجربه‌ی دموکراسی در خاورمیانه اجازه‌ی بقا خواهد داشت؟ پاسخ این سؤال به نحوی فزاینده به سوادهای ژئوپولیتیک زمامداری ترامپ وابسته است.

مقامات نظامی آمریکا طی جنگ با داعش، بارها شبه‌نظامیان کرد سوریه را به خاطر تلاش‌هایشان در نبرد ستودند. سرلشکر جیمز جرارد (James Jarrard)، فرمانده‌ی عملیات ویژه ضد دولت اسلامی، سال گذشته گفت «اراده‌ی آن‌ها شکست ناپذیر است، آن‌ها جنگجویانی قدرتمند، فرماندهانی عالی و رزم‌آورانی شگفت‌انگیز بوده‌اند.»

فوری‌ی گذشته، ژنرال ژوزف وتل (Joseph Votel)، فرمانده‌ی فرماندهی مرکزی ایالات متحد، در گفت‌وگو با کمیته‌ای از کنگره، جنگجویان تحت فرماندهی کردها را «مؤثرترین قوا در برابر داعش در سوریه» توصیف کرد.

از سال ۲۰۱۴، زمانی که دولت اسلامی حکومت وحشت‌اش را در عراق و سوریه آغاز کرد، شبه‌نظامیان تحت فرماندهی کردها - متشکل از دو گروه عمده‌ی یگان‌های مدافع خلق (YPG) و یگان‌های مدافع زنان (YPJ) - نقشی

محوری در بازپس‌گیری دستاوردهای داعش داشته‌اند. اما آنچه درباره‌ی ستایش مدام مقامات آمریکایی از کردها عجیب است این است که کردها همچنین مشغول مبارزه برای رهبری انقلاب اجتماعی چپ‌گرایانه‌ای در مناطق شمالی رژاوا هستند - که در زمره‌ی پروژه‌هایی نیست که مورد تأیید سیاست‌گذاران آمریکایی باشد. جای تعجب ندارد که اتحاد نظامیان آمریکا و انقلابیون کرد مورد تأیید اکثریت حلقه‌ی نخبگان نیست. در همان ابتدای شکل‌گیری این مشارکت، *وال استریت جورنال* در مورد «متحدها مارکسیست آمریکا علیه داعش» هشدار داد.

سال گذشته، استوارت جونز (Stuart Jones)، دیپلمات سابق آمریکا، از کنگره خواست اطمینان حاصل کند که مشارکت آمریکا و نیروهای تحت فرماندهی کردها «برای سازمانی سیاسی که به واقع خصم ارزش‌ها و ایدئولوژی آمریکا است انحصار سیاسی ایجاد نکند».

در واشنگتن، یکی از نگرانی‌های بزرگ این است که انقلابیون کرد درصدد ایجاد فضایی ضدسرمایه‌داری‌اند که مفروضات ابتدایی نظم جهانی با رهبری ایالات متحده را پس می‌زند. ملاحظه‌ی عمده‌ی دیگر این است که انقلابیون کرد پیوندهایی تاریخی با حزب کارگران کردستان (PKK) دارند که دولت آمریکا به‌عنوان سازمانی تروریستی طبقه‌بندی کرده است. با این‌که مقامات نظامی ایالات متحد مکرراً وجود ارتباط مستمر میان نیروهای تحت فرماندهی کردها و PKK را رد می‌کنند، در واشنگتن YPG به شکل فراگیری وابسته به PKK تلقی می‌شود.

حال که داعش در سوریه و عراق به شکست کامل نزدیک می‌شود، اختلاف‌نظر بر سر ارتباطات آمریکا به اوج رسیده است: آیا واشنگتن باید به حمایت از نیروهای تحت فرماندهی کردها ادامه دهد، یا باید به حال خود رهای‌شان کند تا با نیروهای متخاصم بسیاری که قصد نابودی انقلاب‌شان را دارند مواجه شوند؟

رویکرد ایالات متحد

وقتی دولت اواما نخستین‌بار تصمیم گرفت با کردهای سوریه شراکت کند، قصد تقویت انقلابی چپ‌گرا را نداشت - صرفاً به دنبال متحدانی برای مقابله با داعش می‌گشت.

مقام رسمی وزرات امور خارجه آمريکا، ديويد سترفيلد اوایل سال جاری توضیح داد که نیروهای تحت فرماندهی کردها «برای همکاری در این جنگ اعلام آمادگی کردند، آنها تنها کسانی بودند که حاضر به همکاری در این نبرد شدند، هیچ دولت و هیچ حزب دیگری، به‌رغم پیشنهادهای و اصرارهای ما، حاضر به شرکت در این جنگ نشد».

تنها مشکل این بود که دولت ترکیه با همکاری آمریکا و کردها موافق نبود. ترکیه، به‌عنوان هم‌پیمان ناتو، YPG را شاخه‌ای از PKK، حامی سرسخت رهایی ملی کردستان، و دشمن دولت ترکیه می‌داند. مقامات آمریکایی برای مواجهه با این مشکل راه‌حلی ساده ترتیب دادند: آنها از جنگجویان کرد در خواست کردند تا با جنگجویان عرب متحد شوند و نامی جدید برای خود برگزینند.

فرمانده عملیات ویژه آمریکا ریموند تامس (Raymond Thomas) بعدها خاطرنشان کرد، «ما به‌واقع بهشان گفتیم که باید اسم [تشکیلات‌شان] را عوض کنند، خُب، جز YPG چه اسمی روی خودتان می‌گذارید؟ و آنها بعد از یک روز اعلام کردند که به نیروهای دموکراتیک سوریه تغییر نام داده‌اند.»

پس از این تغییر نام، آمریکا حمایت نظامی گسترده‌ی خود را از نیروهای تحت فرماندهی کردها آغاز کرد، که به پیروزی‌های متعدد آنها بر داعش کمک رساند. نیروهای تحت فرماندهی کردها از کوبانی در برابر محاصره‌ای طولانی دفاع کردند، حمله‌ی عظیمی برای تسخیر منبج تدارک دیدند و فرماندهی عملیات زمینی رقه را در دست داشتند که منجر به بیرون راندن داعش از پایتخت‌اش شد.

با این حال، مقامات آمریکایی روشن کردند که حمایت‌شان با انذارهای خاصی همراه است. آنها به‌رغم تمام رشادت‌هایی که نیروهای تحت فرماندهی کردها در میدان نبرد بروز دادند از حمایت از انقلاب اجتماعی‌ای که کردهای سوریه در رژاوا رهبری می‌کردند سر باز زدند.

وقتی کردهای سوریه در مارس ۲۰۱۶ با اعلام تشکیل منطقه‌ی خودمختار جدیدی در سوریه گام بزرگی روبه‌جلو برداشتند، مقامات آمریکایی مخالفت خود را اعلام کردند. سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا جان کربی (John Kirby) گفت «ما به هیچ عنوان از مناطق خودگردان (self-rule)، و شبه-خودمختار (semi-autonomous) در سوریه حمایت نمی‌کنیم»

چند ماه بعد، مقامات آمریکایی اقدام جدی تری صورت دادند. پس از مشاهده گزارش‌هایی مبنی بر این که نیروهای ویژه آمریکا نشان افتخار YPG را به لباس‌هایشان زده‌اند - علامتی حاکی از وحدت نیروهای کرد و آمریکایی - به نیروهای عملیات ویژه دستور دادند که نشان‌ها را بردارند.

با این که مقامات نظامی آمریکا به ستایش نیروهای کرد سوریه ادامه دادند، هسته‌ی اصلی مغایرت‌ها پابرجا بود: آمریکا هیچ علاقه‌ای به ترویج تجربه‌ی خودگردانی رادیکال و عدالت اجتماعی‌ای که کردها پیش می‌بردند نداشت. حتی فرمانده نیروهای ویژه، ریموند تامس، که کردهای سوریه را به خاطر تغییرات اجتماعی مثبتی که در سوریه ایجاد کرده بودند ستوده بود، اذعان کرد که نیروهای تحت فرماندهی کردها چیزی بیش از «دست‌نشانده‌ی ما» نیستند. او گفت که نیروهای تحت فرماندهی کردها «نیروی بومی تحت فرمان ۵۰ هزار نفره‌ای است که برای ما کار می‌کنند و معاملات ما را انجام می‌دهد».

ملاحظات استراتژیک جدید

با نزدیک شدن به پایان جنگ علیه داعش، مقامات آمریکایی با این فکر که ممکن است نفعی در شکل دادن به نتیجه‌ی جنگ سوریه داشته باشند، به دنبال راه‌های جدیدی برای استفاده از متحدان کرد خود هستند.

درگیری‌های سوریه که از ۲۰۱۱ به شدت ادامه یافته، تا کنون صدها هزار نفر از مردم را گرفته است. با حمایت‌های ایران و روسیه، رهبر سوریه، بشار اسد، جنگ ویرانگری علیه گروه‌های شورشی متعددی راه انداخته که بسیاری از آن‌ها مورد حمایت آمریکا و دیگر قدرت‌های منطقه‌ای هستند. ده‌ها هزار غیر نظامی در آتش جنگ گرفتار شده و میلیون‌ها نفر آواره شده‌اند.

شکست داعش ائتلاف تحت فرماندهی ایالات متحد را در موقعیت مناسبی برای ایفای نقشی مستقیم‌تر در جنگ قرار می‌داد. همانطور که رکس تیلرسون (Rex Tillerson)، وزیر خارجه‌ی وقت آمریکا اشاره کرد، «امریکا و نیروهای ائتلاف که با ما در شکست داعش همکاری می‌کنند، حالا کنترل ۳۰ درصد از خاک سوریه، و کنترل بخش عظیمی از جمعیت، و کنترل بخش بزرگی از مناطق نفتی سوریه را در دست دارند».

با حفظ ائتلاف تحت فرماندهی امریکا، بسیاری از مقامات ادعا می‌کنند که می‌توانند ادامه‌ی عملیات در سوریه را برای ایران و روسیه سخت‌تر کنند. آن‌ها اساساً می‌خواهند پیوندشان با نیروهای تحت فرماندهی کردها را برای مداخله‌ی مستقیم در جنگ حفظ کنند.

دیوید سترفیلد (David Satterfield)، مقام رسمی وزارت امور خارجه، اوایل امسال با تأکید بر اهمیت ایجاد ساختاری جدید برای دولتی جدید در سوریه توضیح داد که «ما به دلایل متعددی، در حالی‌که با ایران مبارزه می‌کنیم، در سوریه خواهیم ماند».

جیمز جفری (James Jeffrey) دیپلمات سابق آمریکا، اهداف مشابهی را تعیین کرد. او گفت «ما به ترک‌ها گفتیم که کردها، برای شکست داعش، به شکل تاکتیکی، موقتی و مبادلاتی حضور داشتند». او در ادامه اضافه کرد که امریکا برای مبارزه با ایران و تحت فشار قرار دادن روسیه به کردها نیاز دارد. «تنها هدف از گفتن این‌که در سوریه خواهیم ماند تا هرچه سریع‌تر راه‌حلی سیاسی برای سوریه پیدا کنیم، جدا کردن روس‌ها از سوریه‌هاست».

در همان زمان، مقامات آمریکایی فاش کردند که در حال تبدیل کردن شرکایشان - که تحت فرماندهی کردها می‌جنگند - به نیروهای مرزی متشکل از ۳۰ هزار جنگجو در شمال سوریه هستند. به گفته‌ی جیمز متیس (James Mattis)، وزیر دفاع امریکا، نیروهای ائتلاف نیروهای تحت رهبری کردها را آموزش داده‌اند تا به آن‌ها در دفاع مؤثرتر از منطقه کمک کنند. متیس اعلام کرد «بنابراین آن‌ها حداقل با تفنگ و مسلسل و این‌طور ادوات مسلح خواهند شد».

بلافاصله، دولت ترامپ با مقاومت قابل توجهی مواجه شد. حکومت ترکیه با بیان این‌که قصد ندارد به کردهای سوریه اجازه‌ی پیش بردن انقلاب در رژاوا را بدهد، این حرکت را محکوم کرد. رئیس‌جمهور ترکیه، رجب طیب اردوغان، تهدید کرد نیروهای تحت رهبری کردها را «نابود» نابود می‌کند.

دولت ترامپ تا اندازه‌ای تسلیم دولت ترکیه شد و به نیروهای ترک اجازه‌ی حمله و تسخیر عفرین، یکی از سه کانتون رژاوا، را داد. از ژانویه تا مارس، نیروهای ترک محاصره‌ای را آغاز کردند که صدها غیر نظامی را کشت و ۲۰۰ هزار کرد را مجبور به ترک منطقه کرد.

تنها زمانی که دولت ترکیه تهدید به گسترش عملیاتش در بخش‌های باقی‌مانده‌ی رژاوا کرد - تا حدی که تهدید کرد به نیروهای آمریکایی حمله می‌کند - دولت ترامپ واکنش نشان داد. تیلرسون در دیدار با مقامات ترک اعلام کرد که

نیروهای آمریکا موقعیت خود را در منبج، شهری که نیروهای تحت فرماندهی کردها پیش‌تر به آزادی‌سازی آن از چنگ دولت اسلامی کمک کرده بودند، حفظ خواهند کرد.

با بالا گرفتن تنش بین دولت‌های ترکیه و آمریکا، دولت ترامپ با مشکلی جدی مواجه شد. در فوریه، نیروهای سوری طرفدار حاکمیت [اسد] تحت حمایت نیروهای عملیاتی روس، حمله‌ای را به نیروهای تحت فرماندهی کردها در شرق سوریه آغاز کردند. مقامات آمریکا، که از احتمال دخالت روسیه آگاه بودند، با حملات هوایی واکنش نشان دادند، که باعث مرگ صدها نفر، از جمله چند ده روس شد.

این حادثه که می‌توانست به راحتی شدت گیرد، نشان داد که درگیری‌ها تا چه حد سریع می‌تواند باعث رویارویی مستقیم روسیه و آمریکا شود. همچنین خطرات وجودی‌ای را که کردهای سوریه برای پیشبرد انقلاب اجتماعی با آن دست به گریبان‌اند نمایان ساخت. آن‌ها نه تنها از سوی دولت ترکیه به نابودی تهدید می‌شوند، بلکه مشخصاً اسد هم اجازه‌ی پیش‌برد انقلاب را به آن‌ها نخواهد داد. اگر حمایت‌های محدود ارتش آمریکا نبود، احتمالاً تا همین حالا هم با حملات مرزی متعدد مواجه شده بودند.

از این پس، چه خواهد شد

همزمان که نیروهای ترک و نیروهای سوری حامی حکومت [اسد] پای‌بندی دولت ترامپ به اتحادش با کردهای سوریه را می‌آزمایند، مقامات واشنگتن درگیر بحث‌های جدی در این‌باره هستند که در قدم بعد چه باید کرد. در حالی که همگی متفق‌اند که جنگ علیه داعش رو به پایان است، بر روی این‌که آیا باید به درگیری مستقیم در جنگ سوریه ادامه دهند یا نه توافقی وجود ندارد.

در ژانویه، دیوید سترفیلد، مقام رسمی وزارت امور خارجه به کمیته‌ای از گنگره گفت «رییس‌جمهور، از حیث استراتژیک، متعهد به عدم ترک سوریه است. ما قصد نداریم اعلام کنیم که پیروز شده‌ایم و بعد منطقه را ترک کنیم.» تیلرسون وزیر امور خارجه آمریکا با اعلام این‌که «امریکا به حضور نظامی در سوریه ادامه خواهد داد» این تصمیم را تأیید کرد.

در همین زمان، بسیاری از مقامات اصرار کردند که زمان آماده شدن برای ترک سوریه فرا رسیده است. در فوریه، رابرت فورد، سفیر سابق آمریکا در سوریه، به کمیته‌ای از کنگره در مورد هر نوع تعهد بلند مدت نظامی آمریکا هشدار داد. او استدلال کرد که «در نهایت متحدان کرد و عرب ما در سوریه باید با اسد به توافقی دست یابند. و اگر ما آماده‌ی حضور نظامی نامحدود در سوریه نباشیم، توافق بر اساس شرایط اسد خواهد بود، زیرا او منتظر خروج ماست.»

فورد مخصوصاً از این موضوع نگران بود که اتحاد آمریکا و کردها چه تأثیری روی رابطه آمریکا و ترکیه و سیاست‌های آمریکا در قبال ایران خواهد داشت. او به کنگره توصیه کرد اولویت‌های آمریکا در منطقه را با دقت در نظر بگیرد.

فورد گفت: «اگر اولویت آمریکا استفاده از نیروهای کرد سوریه در مقابل داعش باشد، همکاری با ترکیه بر سر مسئله‌ی ایران دشوارتر خواهد شد. از طرفی اگر به این نتیجه برسیم که ایران باید اولویت ما باشد، باید ببینیم چه طور می‌توانیم به توافقی با ترکیه دست یابیم.»

در دولت ترامپ نیز مقامات به مسائلی مشابه فکر می‌کنند. برخی مقامات عالی‌رتبه خواهان توافق کردهای سوریه و اسد هستند تا بتوانند نیروهای آمریکا را از سوریه خارج کنند و دوباره روابطشان را با ترکیه نزدیک کنند. برخی معتقدند که باید به همکاری با نیروهای تحت فرماندهی کردها ادامه داد و ضمن افزایش فشار بر دولت اسد، مداخله‌ی ایران و روسیه را مستقیماً به مبارزه طلبید.

تا این‌جا، تدریجاً دست بالا را دارند و توانسته‌اند ترامپ را متقاعد کنند که ادامه‌ی حضور نیروهای آمریکا در سوریه ضروری است. اما مشخص نیست تا چه زمانی بتوانند موقعیت‌شان را حفظ کنند. در نهایت، سؤال اصلی این‌جاست که آیا دولت ترامپ به حمایت از نیروهایی که نقش کلیدی در شکست داعش داشته‌اند ادامه خواهد داد، آن هم زمانی که این حمایت موجب هموار شدن راه برای پیشرفتی عظیم در مبارزه برای آزادی کردهاست؟ در نهایت، تصمیم ترامپ تعیین خواهد کرد که آیا امیدبخش‌ترین دموکراسی خاورمیانه فرصت حیات خواهد یافت یا خیر.

پیوند با متن اصلی:

Edward Hunt, [The Kurdish Dilemma](#)